

A Study of Economic Principles and Traditions in the Qur'an and Hadiths

Hosein Ghafoorzadeh Arani*

Received: 03/09/2018

Amir Khadem Alizadeh**

Accepted: 14/01/2019

Mahmoud Easavi***

Seyed Ehsan Khandoozi****

Abstract

The goal of the positive economics is to description, explaining, and prediction, that is, by studying the relations between economic phenomena seeking to recognize reality as it is. In this way, the positive economy is crystallized in the form of the discovery of economic laws. In Islamic economics, we can also pursue this goal and analyze economic phenomena and community behaviors. Therefore, the main question of the current research is that the principles of the positive economic, can be deduced from the verses of the Holy Qur'an and the traditions? For this purpose, using the conceptual analysis method, all Quranic verses and narratives of some books of narrative were studied and the principles and traditions mentioned in the form of the declarative sentence and the conditional proposition (causal relation) and in the framework of economic resources, economic man and Production, distribution and consumption sectors were categorized. It is worth mentioning that in this article, only propositions were extracted that were both economical and predictable, while propositions that have only economic predicament are also widespread in Islamic sources. The achievement of the article is that economics has achieved some of these principles which have been referred to them in centuries before in religious sources and nowadays are regarded as scientific theories in the economics; Such as the principle of division of labor, the principle of time preference, the principle of risk sharing, etc. But some of the principles and traditions that have been raised in the Qur'an and the traditions are hypotheses that could open up a new window for economics and express the relation that in The economics is unknown, as is the tradition in terms of charity and economic growth, or the relationship of justice and blessing in society, as well as the relationship between usury and economic recession, and so on.

Key words

Positive Economy, Normative Economics, Economic Traditions, Holy Quran, Hadiths.

JEL Classification: Z12, Z13, Z19, B41.

*. PhD in the Philosophy of Islamic Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) hghafoorzadeh@yahoo.com

** . Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
aalizadeh@atu.ac.ir

*** . Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
meisavi@atu.ac.ir

**** . Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
Ehsan.Khandoozi@atu.ac.ir

بررسی اصول و سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

حسین غفورزاده آرانی*

امیر خادم علیزاده**

محمود عیسوی***

سیداحسان خاندوزی****

چکیده

هدف علم اقتصاد توصیف، تبیین و پیش‌بینی است؛ یعنی با تحقیق درباره روابط موجود میان پدیده‌های اقتصادی به دنبال شناخت واقعیت است به همان صورتی که هست؛ بدین ترتیب، علم اقتصاد در قالب کشف قوانین اقتصادی تبلور می‌یابد. در علم اقتصاد اسلامی نیز می‌توان چنین هدفی را دنبال نمود. با استخراج سنت‌های اقتصادی در قرآن و سنت، می‌توان به تحلیل پدیده‌های اقتصادی و رفتارهای افراد جامعه پرداخت. بر این اساس تمام آیات قرآن و روایات برخی کتب روایی مطالعه شد و اصول و سنت‌های مذکور در قالب قضیه قطعی (هست‌ها) و قضیه شرطیه (رابطه علی معلولی) و در چارچوب منابع اقتصادی، انسان اقتصادی و بخش‌های تولید، توزیع و مصرف دسته‌بندی شد. شایان ذکر است که در این مقاله فقط گزاره‌هایی استخراج شد که هم موضوع و هم محمول آنها امری اقتصادی بود، در حالیکه گزاره‌هایی که فقط محمول اقتصادی دارند نیز در منابع اسلامی گسترده است. دستاورد مقاله این است که علم اقتصاد به برخی از این اصول که قرن‌ها پیش در منابع دینی به آنها اشاره شده است، دست یافته است و امروزه به عنوان نظریات علمی در اقتصاد قلمداد می‌شود مانند اصل تقسیم کار، اصل ترجیح زمانی، اصل تسهیم ریسک و ...؛ اما برخی از سنت‌هایی که در قرآن و روایات مطرح شده است فرضیاتی است که می‌تواند پنجره جدیدی برای علم اقتصاد بگشاید و به بیان روابطی بپردازد که در اقتصاد ناشناخته است مانند سنت‌هایی که در قالب رابطه انفاق و رشد اقتصادی؛ یا رابطه عدالت و برکت در جامعه و نیز رابطه ربا و رکود اقتصادی بیان شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری، سنت‌های اقتصادی، قرآن کریم، روایات.

طبقه‌بندی JEL: Z12, Z13, Z19, B41.

* دانش‌آموخته دکترای فلسفه اقتصاد اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hghafoorzadeh@yahoo.com

aalizadeh@atu.ac.ir

meisavi@atu.ac.ir

Ehsan.Khandoozi@atu.ac.ir

** دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

**** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از مبانی جهان‌شناسی علم اقتصاد، «طبیعی‌گرایی» است و بر همین اساس، قانون‌های اقتصادی به عنوان بازتابی از قانون‌های طبیعی در گستره اقتصاد ابتدا به وسیله فیزیوکرات‌ها مطرح شد. آنان، این قانون‌ها را نوامیس ازلی ناشی از مشیت باری و مربوط به علل غایی می‌دانستند؛ این قانون‌ها نزد کلاسیک‌ها مانند نظام جهان مادی، طبیعی بوده و از ارزش‌های اخلاقی خالی است. قانون‌های پیش‌گفته با نیازهای اولیه مردم ارتباط داشته و به همین علت جهانی و همیشگی هستند مانند قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی، قانون جان‌شینی، قانون قیمت واحد، قانون گرشام، قانون انگل، قانون عرضه و تقاضا، قانون بازارهای ژان باتیست‌سه. از سوی دیگر برخورداری از نظام متقن علی و معلولی نیز یکی از ویژگی‌های جهان‌شناسی اقتصاد اسلامی است و بر این اساس جهان دارای نظام سببی و مسببی است؛ اصطلاحی که در قرآن کریم قانون‌مندی جهان آفرینش را آشکار می‌سازد، «سنت» است.

به نظر می‌رسد یکی از راه‌های ضروری برای پی‌ریزی اقتصاد اسلامی، بحث سنت‌های اقتصادی باشد؛ زیرا در قرآن کریم و روایات بسیاری از سنت‌های اقتصادی بیان شده است که بیانگر قانونمندی جامعه و روابط علی و معلولی رفتارها و پدیده‌های اقتصادی، تغییرات سطح کلان اقتصادی و نظام کنترل اقتصادی جامعه می‌باشد؛ بنابراین مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «اصول و سنت‌های اقتصادی قابل استخراج از آیات قرآن کریم و روایات ائمه (ع) کدامند؟» بر این اساس ساماندهی مقاله از قرار زیر است: پس از مقدمه، ادبیات پژوهش به تبیین مفهوم سنت‌های اقتصادی و نیز اقتصاد اثباتی و پیشینه علمی آن می‌پردازد؛ بخش بعدی مقاله، روش استخراج سنت‌ها را بررسی می‌کند. تبیین اصول و سنت‌های استخراج شده بخش چهارم مقاله را تشکیل می‌دهد و در پایان با خلاصه و نتیجه‌گیری سامان می‌یابد.

۱. ادبیات پژوهش

برخی از مکاتب اقتصادی از جمله اثبات‌گرایان با تأکید بر پیروی از متدولوژی علوم طبیعی به دنبال تبدیل شدن اقتصاد به یکی از «علوم دقیقه» بودند. در نیمه دوم قرن نوزدهم هنگامی که پوزیتیویسم، فلسفه مسلط علم شناخته می‌شد، موفقیت بزرگ علوم

فیزیک را روش‌شناسی علمی آن می‌دانستند؛ زیرا توانسته بود کلیه عناصر هنجاری را از مباحثات خود حذف نماید. فلسفه پوزیتیویستی به جدایی نگرش اثباتی از نگرش اخلاقی و متافیزیک و سوق دادن بحث‌های علمی به جهت‌گیری صرف اثباتی، زمینه ظهور این اندیشه را فراهم ساخت که انسان‌ها و جوامع انسانی نیز می‌توانند همانند پدیده‌های طبیعی، حرکات و رفتارهایی قانونمند، بادوام و یکنواخت از خود بروز دهند. این اندیشه پس از تثبیت روش پوزیتیویستی در اقتصاد، در میان اقتصاددانان نئوکلاسیک جایگاهی رفیع یافت (دادگر، ۱۳۸۴، ص. ۴۱). فلسفه پوزیتیویستی در قرن بیستم به ویژه در اواسط آن با ظهور پوزیتیویسم منطقی جان تازه‌ای می‌گیرد و حتی در برخی از موارد افراطی‌ترین آراء و عقاید را در میان نگرش‌های پوزیتیویستی به ثبت می‌رساند. این مکتب فلسفی - روش‌شناسی که از جمله مکاتب فلسفه علم قرن بیستم است نگاه‌های بسیار ویژه و منحصر بفردی نسبت به علم و روش‌هایش دارد که البته با نقدهای زیادی مواجه شد.

لارنس بولاند (۱۹۹۷)^۳ نیز در مقاله‌ای با عنوان «نگرش‌های معاصر در اقتصاد پوزیتیویستی»^۴ به بررسی چهار نگرش پوزیتیویستی در عصر حاضر پرداخته و آنها را در یک طیف جای داده است که از منظر وی در یک سو افراطی‌ترین و خوش‌بینانه‌ترین نحله پوزیتیویسم، هاروارد قرار دارد که این اندیشه به اقتصاد آزمایشگاهی پرداخته و در سوی دیگر این طیف گونه ضعیف و حداقل‌گرای پوزیتیویسم MIT قرار گرفته که فقط به ابطال‌پذیری نظریه‌های اقتصادی پرداخته است. در میان طیف، دو نگرش دیگر به نام‌های پوزیتیویسم LSE و پوزیتیویسم شیکاگو جای دارد. پوزیتیویسم LSE نقش اجتناب‌ناپذیر برای داده‌های کمی و تجربی قائل است؛ در حالی که پوزیتیویسم شیکاگو ابزارگرایی فریدمن و تأییدگرایی پیچیده بیکر و استیگلر را مطرح کرده است.

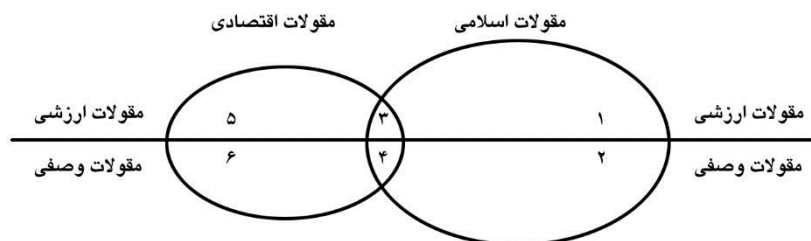
اثبات‌گرایی که محصول دوره مدرن و عصر روشنگری بود مبتنی بر اندیشه دئیسم و نیز معرفت‌شناسی تجربه‌گرایی است که مشاهده واقعیات و محسوسات و تجربه و آزمایش آنها را وسیله‌ای برای کشف حقایق هستی می‌دانست. بنابراین با استفاده تجربه‌حسی و با تجزیه و تحلیل عقل بشری به دنبال دستیابی به قوانین اقتصادی بود.

در اقتصاد اسلامی نیز می‌توان به قانونمندی‌هایی که در عرصه اقتصادی وجود دارد دست یافت که یکی از راه‌های آن مطالعه سنت‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر

«همان گونه که در علوم طبیعی بین علت‌ها و معلول‌ها یک رابطه ثابتی وجود دارد که به صورت قانون‌های علمی مورد مطالعه و استفاده قرار می‌گیرند؛ در نظام اجتماعی نیز بین عملکرد انسان‌ها و سرنوشت آنها در طول تاریخ، قوانین ثابتی حاکم است و صعود و سقوط اقوام، ملت‌ها، تمدن‌ها و حکومت‌ها قانونمندی دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۲). منظور از سنت‌های الهی در عرصه اقتصاد نیز قانونمندی‌هایی است که خداوند متعال میان افعال انسانی و امور اقتصادی قرار داده است.

البته این تفاوت وجود دارد که این سنت‌ها بر خلاف گزاره‌های اثباتی در علم اقتصاد، با استفاده از عقل و تجربه بشری به دست نیامده و بلکه از منابع وحیانی استخراج شده است لذا بر خلاف اندیشه دئیسم که مبتنی بر نفی دخالت تکوینی و تشریحی خداوند در عالم هستی و نظام بشری است، وجود این سنت‌های اقتصادی، عین دخالت و تدبیر الهی در نظام هستی است.

یکی از موارد استفاده از سنت‌های اقتصادی در تولید علم اقتصاد اسلامی، قرار دادن این سنت‌ها در حوزه مقولات توصیفی است که برخی اندیشمندان اقتصاد اسلامی به دنبال آن هستند که در شکل زیر توضیح داده شده است.



نمودار شماره ۱: رابطه میان اسلام و علم اقتصاد (انس زرقاء، ۲۰۰۳)

انس زرقاء (۲۰۰۳) با استفاده از نمودار بالا، وجود شش حوزه را نشان می‌دهد که قسمت ۱ شامل مقولات ارزشی اسلامی (گزاره‌هایی نظیر مثلاً اقیموا الصلوه)، قسمت ۲ در برگیرنده مقولات اثباتی اسلامی (نظیر فیه شفاء للناس) و قسمت‌های ۳ و ۴ مشترک

بین اسلام و اقتصاد است. قسمت ۳، مقولات ارزشی مورد تاکید اسلام و علم اقتصاد را در بردارد (نظیر اتوا الزکوه) و قسمت ۴ مشتمل بر مقولات اثباتی اسلامی است (نظیر ان الانسان لیطغی ان رئاه استغنی) که از مقولات اثباتی علم اقتصاد نیز به شمار می‌روند. قسمت ۵، شامل مقولات ارزشی اقتصادی است که در مورد آنها نصوص شرعی وارد نشده است و امکان استنتاج آنها از نصوص شرعی نیست. این مقولات فقط به علم اقتصاد مربوط می‌شود (نظیر حذف تعرفه گمرکی از تجارت خارجی). قسمت ۶ نیز مقولات اثباتی علم اقتصاد را در بر می‌گیرد (مانند قانون بازدهی نزولی).

از نظر وی نتیجه نهایی تلفیق بین علم اقتصاد و اسلام، علم اقتصاد اسلامی خواهد بود که شامل مقولات سوم، چهارم و ششم می‌شود. از دیدگاه انس زرقاء چنانچه ارزش‌های مورد استناد علم اقتصاد با ارزش‌های اسلامی جایگزین شوند و نیز به مقولات تحقیقی علم اقتصاد که تا کنون به دست آمده است، مقولات تحقیقی اسلامی افزوده شود می‌توان علم اقتصاد اسلامی را پدید آورد (Zarqa, 2003, p.11-18). لازم به ذکر است آنچه در این مقاله مورد پافشاری قرار می‌گیرد تکیه بر استخراج حوزه چهارم از نمودار فوق است که در واقع اصول و سنت‌های اقتصادی در آیات و روایات است.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع حاضر، پیشینه محدودی دارد، اما برخی از آثاری که به طور عام به جستجوی آیات و روایات اقتصادی پرداخته‌اند، عبارتند از:

۲-۱. پژوهش‌های داخلی

شهید صدر (۱۴۲۶ق) در قسمت دوم کتاب «مدرسه القرآنیة» سنت‌هایی را که خداوند در قرآن بیان کرده و به صورت قانون می‌توان محسوب نمود، تشریح نموده است. رجایی (۱۳۸۲) در کتاب «معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن»، به بررسی ارتباط وحی با مباحث اقتصادی پرداخته است. نویسنده نخست مفاهیمی مثل تجلی توحید در اقتصاد و نقش توجه به معاد را در اقتصاد بررسی کرده است و آنگاه مجموعه‌ای از آیات مرتبط با موضوع را طرح کرده است. در ادامه، به ترتیب، مباحث تولید، توزیع، مصرف و فروع آن مورد بحث قرار گرفته است.

نکونام (۱۳۸۶) در کتاب «قرآن کریم و زمینه‌های اقتصادی: فهرست آیات و فرهنگ موضوعی اقتصاد در قرآن کریم» شماره همه آیات اقتصادی در قرآن کریم را ۱۱۴۳ مورد ذکر کرده است. نویسنده بر این باور است که این آیات در یکصد و یک سوره آمده است و می‌تواند منبعی برای اقتصاد پژوهان و علاقه‌مندان به مباحث اقتصادی باشد.

عیوضلو (۱۳۸۷) در کتابی با عنوان «مجموعه مقالات قرآن و اقتصاد» به جمع‌آوری مقالاتی پیرامون قرآن و اقتصاد است اهتمام ورزیده است. در این مجموعه مقالات زمینه‌ها و دلالت‌های قرآن در موضوعات اقتصادی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است.

کامرانیان (۱۳۸۷) در کتاب «اقتصاد در قرآن کریم» آیات اقتصادی قرآن را مورد واکاوی قرار داده است. این کتاب حاوی ۸۶ موضوع از قرآن است.

خادم عزیزاده (۱۳۹۲) در کتاب «تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی»، هدف از تدوین این کتاب را تبیین اندیشه‌ها و آموزه‌های قرآن در عرصه اقتصاد معرفی کرده است و در این کتاب، به مباحثی نظیر ویژگی‌های نظام اقتصادی قرآن، مبانی بینشی و ارزشی اقتصاد، اهداف اقتصاد، نظام اقتصادی و ناهنجاری‌های اقتصادی از دیدگاه قرآن پرداخته است.

۲-۲. پژوهش‌های خارجی

قعدان (۱۹۹۷م.) در کتاب «منهج الإقتصاد فی القرآن» اشاره کرده است که در تحقیق خود به دنبال استخراج نظریات اقتصادی از خلال قرآن نیست، بلکه هدف او تبیین خطوط کلی قرآن است که اقتصاد باید ملتزم به آن باشد؛ چراکه این وظیفه قرآن است، اما وظیفه عقل، تفصیل این خطوط کلی بدون افراط و تفریط می‌باشد.

شوقی دنیا (۲۰۰۷م) در کتاب «نظرات اقتصادیة فی القرآن الکریم» به بررسی هدایت‌های قرآن کریم در حوزه تولید، مخارج، توزیع، مبادله، گزاره‌های اقتصادی و اصطلاحات اقتصادی می‌پردازد و بخش پایانی کتاب نیز در مورد قرآن، نظام اقتصادی و علم اقتصاد بحث شده است.

منذر قحف (۲۰۰۸م.) در کتاب «النصوص الإقتصادية من القرآن والسنة»، بر طبق نگاه مذهب اهل تسنن، به جمع‌آوری نصوص اقتصادی در قرآن و سنت پرداخته است و این

نصوص را ذیل عنوان‌های زیر طبقه‌بندی کرده است: رفتار اقتصادی و اهداف آن، اساس فعالیت اقتصادی اسلامی، مبانی و قواعد عمومی نظام اقتصاد اسلامی، نظریه مصرف و رفتار مصرف‌کننده، نظریه تولید و رفتار تولیدکننده، نظام بازار، نظریه اقتصاد کلان، نقش دولت در اقتصاد، مالیه عمومی.

بررسی منابع فوق نشان می‌دهد که نویسندگان آنها سعی کرده‌اند موضوع‌ها و مباحث متعارف مرتبط با اقتصاد را از فحوای آیه‌های قرآن استخراج کنند و تمرکز بر منظومه سنت‌های اقتصادی در قرآن کریم و روایات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا نوآوری پژوهش حاضر، دستیابی به این سنت‌های اقتصادی است. استنباط و ارزیابی اصول و سنت‌های اقتصادی به شکل سیستمی در بخش‌های تولید، توزیع و مصرف با رویکرد تطبیقی و با زبان و تحلیل اقتصادی روز یک پژوهش بنیادی لازم برای رشته علوم اقتصادی با رویکردی اسلامی است که می‌تواند پیشنهاد لازم برای مدلسازی و نظریه‌پردازی در سطح اقتصاد خرد و کلان با رویکردی اسلامی باشد.

۳. روش استخراج اصول و سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات

شهید صدر(ره) در کتاب «سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن» دو گونه از صورت‌بندی سنت‌ها را با عناوین «قضیه قطعی» و «قضیه شرطیه» مطرح کرده است. در صورت‌بندی قضیه قطعی، سنن قرآن شکل قضیه فعلیه قطعی، تحقق‌یافته و به صورت منجز دارد؛ یعنی بدون حالت منتظره عرضه می‌شود؛ مثل سنت تفاوت بین افراد بشر (زخرف: ۳۲؛ اسراء: ۲۱؛ انعام: ۱۶۵) که انسان در این موارد نمی‌تواند به هیچ وجه شرایط و اوضاع و احوال این قضیه را تغییر دهد؛ زیرا صورت قضیه شرطی نیست، بلکه یک قضیه قطعی است که بالفعل تحقق می‌یابد؛ اما در صورت دوم از سنت‌ها حالت شرط وجود دارد یعنی بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها، ارتباط برقرار می‌شود (این ارتباط رابطه شرط و جزا را سخت به هم متکی می‌سازد مانند (رعد: ۱۱؛ جن: ۱۶ و اسراء: ۱۶)) از نظر ایشان در مجموع این قوانین خدمت بزرگی به انسان در زندگی معمولیش می‌کنند و نقش مؤثری را در انسان‌سازی دارند (صدر، ۱۳۶۹، ص. ۱۴۲-۱۵۰). از آنجا که مقاله به دنبال دستیابی به «اصول و سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات» است لذا باید مراد از «اصل» روشن شود. «اصل» در این مقاله موارد زیر را شامل می‌شود:

۱. گزاره‌هایی که «هست»ها را در مورد یک رفتار یا پدیده اقتصادی بیان می‌کنند.
۲. گزاره‌هایی که حاکی از رابطه علی و معلولی بین دو امر است و می‌توان مدلول آنها را به صورت جمله شرطیه «اگر الف اتفاق افتد آنگاه ب اتفاق خواهد افتاد» بیان کرد به گونه‌ای که می‌توان از آن دلالت اقتصادی برداشت نمود.

۳. گزاره‌هایی که به منزله قواعد (قوانین) اقتصادی در اقتصاد متعارف است. بر اساس توضیحات بالا، «اصل» در حالت اول، همان «قضیه قطعی» از نظر شهید صدر است که نیاز به وقوع شرطی از سوی انسان ندارد تا خداوند آن را محقق سازد. «اصل» در حالت دوم نیز همان «قضیه شرطیه» است که مشروط به رفتار جوانجی و جوارحی انسان‌ها می‌شود. هر یک از رفتار فرد یا جامعه (موضوع گزاره) به لحاظ ظرف تحقق می‌تواند اثری در آخرت یا دنیا داشته باشند. آثار دنیایی می‌توانند فردی یا اجتماعی باشند. آنچه در این مقاله به دنبال آن هستیم اثر دنیایی است. اصل در حالت سوم نیز در واقع قوانین اقتصادی است که بر اساس تجربه به دست می‌آید و البته در برخی موارد تأییداتی از سوی آیات و روایات هم در این زمینه وجود دارد که به آنها اشاره خواهد شد.

برای استخراج سنت‌ها باید اولاً استناد فعلی به خداوند به طریق مستقیم یا به واسطه اسماء الهی روشن باشد، ثانیاً از خود دلیل یا قراین دیگری بتوان استمرار آن و مقطعی نبودن آن فعل را استنباط کرد (روحانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۴-۱۰۷) علاوه بر اینها برخی از شاخص‌های لفظی استخراج اصول، با تأکید بر اینکه این شاخص‌ها باید با دیگر قراین معنایی در نظر گرفته شوند، عبارت‌اند از:

الف) استعمال فعل مضارع در استناد فعلی به خداوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۱۷۸)؛

ب) صیغه مبالغه؛

ج) الفاظی مانند «ماکان»، «لم یکن» و ... (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص. ۴۹۰)

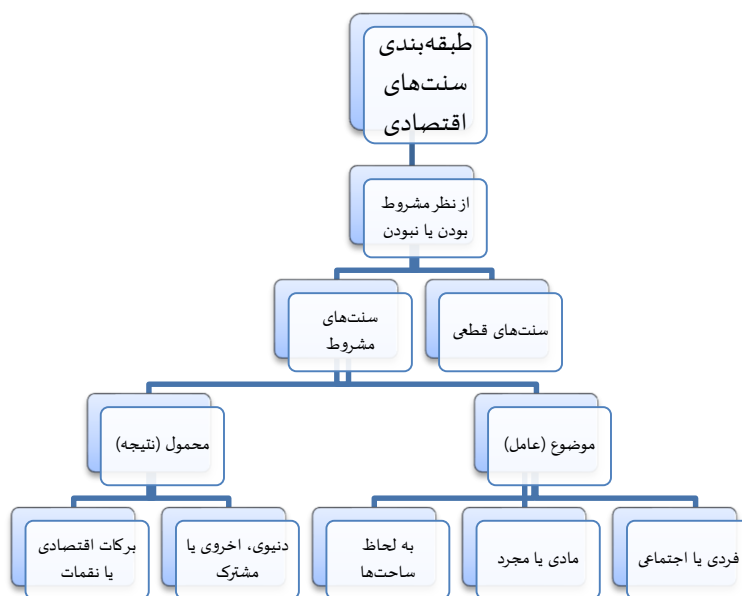
د) ساختارهای کلامی دلالت‌کننده بر رابطه علی و معلولی نظیر جمله شرطیه، جمله تعلیلیه، جمله تفریعیه و جمله غائییه (کوشا، ۱۳۸۹، ص. ۴۵-۴۷).

البته موارد ساختارهای لفظی دلالت‌کننده بر سنت‌های الهی منحصر به موارد فوق نیست اما به عنوان یک قاعده کلی و با توجه به موارد استقصاء شده می‌توان گفت: هر کلمه، فعل یا سیاقی که دلالت بر استمرار تحقق فعلی از سوی خداوند داشته باشد، سنت بودن را می‌رساند.

۴. طبقه‌بندی سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات

با مطالعه تمامی آیات قرآن و روایات تمام مجلدات وسایل‌الشیعه و نیز کتاب‌های «نهج‌البلاغه»، «غررالحکم»، «الغارات» (ابراهیم بن محمد ثقفی، ۱۳۹۵ق)، «نصوص الاقتصادی من القرآن و السنه» (قحف، ۲۰۰۸)، «توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث» (ری شهری، ۱۳۸۲) و نیز کتاب‌هایی که در زمینه اقتصاد در قرآن و روایات تألیف شده است نظیر «سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن» (صدر، ۱۳۶۹)، «الاحیاء» (حکیمی، ۱۳۸۰)، «الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم» (یونس المصری، ۱۴۲۶ق)، «معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن» (رجایی و دیگران، ۱۳۸۲)، «تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی» (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲)، «برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم» (شوقی دنیا، ۱۳۸۹)، «ملاحظات پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن» (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۴)، «قرآن کریم و زمینه‌های اقتصادی» (نکونام، ۱۳۸۶) و ... سعی شد گزاره‌ها بر اساس دو قالب سنت‌های قطعی (اصول اقتصادی) و مشروط استخراج شوند که البته شاید اکثر این گزاره‌ها در قالب شرطیه آمده است و تعداد محدودی به صورت جمله خبری است (نظیر مواردی که درباره انسان اقتصادی آمده است). در گزاره‌های شرطی نیز فقط گزاره‌هایی مدنظر قرار گرفته که هم موضوع و هم محمول آنها به یک مسأله اقتصادی اشاره داشته است.^۹

طبقه‌بندی سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات را می‌توان در نمودار صفحه بعد نشان داد:



نمودار شماره ۲: طبقه‌بندی سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات (یافته تحقیق)

۵. اصول و سنت‌های اقتصادی در قرآن و روایات

«سنت‌های اقتصادی» عبارت است از قانونمندی‌هایی که خداوند متعال میان افعال انسانی و امور اقتصادی قرار داده است. از آنجا که معمولا علم اقتصاد را به سه بخش تولید، توزیع و تقاضا تقسیم می‌کنند، بخش عمده‌ای از اصولی که در این قسمت استخراج شده‌اند، در این چارچوب توضیح داده خواهند شد. البته قبل از آن اصول ناظر به امکانات و انسان اقتصادی بیان خواهد شد.

۵-۱. اصل ناظر به امکانات اقتصادی

۵-۱-۱. اصل کفایت منابع

یکی از تعاریف علم اقتصاد، تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود است؛ بنابراین در این صورت، اصلی‌ترین مشکل اقتصادی از منظر عالمان اقتصاد، کمیابی است. اگرچه اصل کمیابی نسبی در منابع اسلامی پذیرفته شده است و بدان تصریح شده است «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ در حقیقت، ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم»، (قمر: ۴۹) «... قَدْ جَعَلْ

اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ به یقین، خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است»، (طلاق: ۳) اما به نظر می‌رسد بر اساس دیدگاه قرآن کریم، در زمین آنچه مورد نیاز انسان برای ادامه زندگی لازم است، مهیاست (ابراهیم: ۳۴؛ اعراف: ۱۰؛ حجر: ۲۱) مشکل اساسی و مبنایی اقتصاد در این نکته نبوده بلکه در نحوه تعاملات انسانی با امکانات و منابع است. از نگاه قرآن اصلی‌ترین مشکل، ظلم انسان‌ها و کفران نعمت الهی است (صدر، ۱۴۰۸ق، ص. ۳۴۷ و ۶۷۳)؛ چرا که «... إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ ... قطعاً، انسان بسی ستمگر و بسیار ناسپاس است» (ابراهیم: ۳۴).

۲-۵. اصول ناظر به انسان اقتصادی

۲-۵-۱. اصل مزیت‌های نسبی و تقسیم کار

آیه ۳۲ سوره زخرف به این حقیقت اشاره دارد که حکمت متفاوت بودن انسان‌ها، بهره‌مندی ایشان از یکدیگر بوده است. امام علی (ع) درباره این آیه می‌فرماید: «... خداوند با متفاوت ساختن همت‌ها و خواسته‌های مردم، تدبیری استوار کرد تا انسان هر چه را بخواهد، دیگران برایش انجام دهند و بدین سان هر کدام با کمک دیگری آن طور که مصلحت حالش اقتضا دارد، امور زندگانی‌اش را پیش ببرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص. ۱۰۳-۱۰۴). چنانچه در متن این روایت آمده است: «اگر هر کس ناچار می‌شد کار بنایی یا نجاری و یا هر کار دیگری را خودش برای خودش انجام دهد، نه کارهای دنیا سامان می‌گرفت و نه مردم فرصت و توانایی انجام همه این کارها را داشتند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص. ۱۰۳-۱۰۴) روشن است آن حضرت فلسفه تفاوت‌های موجود در بندگان و وجود مزیت‌های نسبی میان افراد را در اصل تقسیم کار بیان نموده است.

۲-۵-۲. اصل اتراف و فساد اقتصادی

در آیه ۱۶ اسراء پیامد اتراف، پدیدآمدن سنت املاء و استدراج برای مترفین بیان شده است که سبب فسق و فساد بیشتر آنها شده و شایستگی برای عذاب الهی را فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص. ۸۲). «اتراف» به معنای زیاده‌روی در تلذذ از نعمت‌هاست و در اینجا به این معناست که زیاده‌روی در لذایذ کار انسان را به جایی می‌کشاند که از

پذیرفتن حق استکبار ورزد (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۵۷۸). آیه ۳۴ سوره سبأ نیز نتیجه اتراف را کفر بیان نموده است. آیات ۶ و ۷ سوره علق، ۲۷ سوره شوری، ۵۱ سوره فصلت نیز مؤید این مطلب است که تکاثر و ثروتمندی، ظلم و طغیان را به همراه می آورد. علاوه بر آیات فوق، امام علی (ع) در بیاناتی مال اندوزی را مایه گردنکشی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص. ۲۱) هلاکت، سرکشی و نیستی (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ح ۲۱۲، ص. ۵۰۷؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۳۴ و ۳۶۹) و نیز سلب شدن نعمت از انسان (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۲۹؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۰۲) دانسته است.

۵-۲-۳. اصل ترجیح زمانی

اصل ترجیح زمانی یعنی اینکه انسان در انتخاب دو مقطع زمانی، برتری را به مقطع زمانی نزدیک تر می دهد. به عقیده بسیاری از اقتصاددانان این اصل یک خصوصیت مشترک رفتاری است و جزء ویژگی های انسان تعریف می شود (دلالی اصفهانی و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۹) هر یک از اقتصاددانانی که درباره ترجیح زمانی مطالعه نموده اند؛ دلایلی اقتصادی، روانشناسی و فنی بر وجود برتری زمان حال بر آینده برشمرده اند که در این میان آراء بوم باورک^۶ (۱۹۸۱)، اروینگ فیشر^۷ (۱۹۳۰) و فون مایز^۸ (۱۹۴۹) دارای جایگاه ویژه ای است.

قرآن کریم نیز در آیات متعددی یکی از ویژگی های طبیعت انسانی را ترجیح زمان حال بر مستقبل و ترجیح نقد بر نسیه معرفی کرده است (انسان: ۲۷؛ قیامت: ۲۰ و ۲۱؛ اعلی: ۱۷) (یونس المصری، ۱۴۲۶ق، ص. ۷۱-۷۵). به نظر می رسد قاعده فقهی «لأجل قسط من الثمن» نیز مؤید همین اصل باشد و مشروعیت نرخ نسیه (فروش اقساطی) (خمینی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص. ۵۰۳) و فعالیت بانک ها در چارچوب عقود با بازدهی ثابت بر همین اساس باشد.

۵-۲-۴. اصل حداقل کردن ضرر (حداکثرسازی سود)

حداکثرسازی مطلوبیت و سود مادی شخصی از ویژگی های علم اقتصاد در قرائت مکتب نئوکلاسیک است که مبتنی بر فلسفه اخلاق فایده گرایی است و بر همین اساس است که

تحلیل‌های حداکثرسازی مطلوبیت برای مصرف‌کننده و سود برای تولیدکننده از مهم‌ترین مطالب اقتصاد خرد را تشکیل می‌دهد. حداکثرسازی سود (مطلوبیت) در مکتب اخلاقی فایده‌گرایی عبارت است از: بیشترین خیر عمومی یا غلبه خیر بر شر در کل جامعه (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص. ۴۸) که البته از دیدگاه اسلامی با انتقادهایی روبه‌رو است.^۹

برای مثال نگاه مادی‌گرا و دنیوی به انسان و ارزش‌گذاری بیش از اندازه به سود و منفعت در مطلوبیت‌گرایی، تفاوت آن را با آموزه‌های اسلامی آشکار می‌سازد. از منظر اسلامی، سود و منفعت لزوماً مذموم نیست، بلکه حتی می‌تواند با فرض تحفظ بر سایر الزامات و ارزش‌های اسلامی، ملاک ارزیابی و تصمیم‌گیری قرار گیرد. با این حال، از نظر اسلام، سود و منفعت لزوماً با نگاه محدود مادی و دنیوی تعریف نمی‌شود و علاوه بر حداکثرسازی لذت‌های دنیوی، لذت‌های اخروی نیز مدنظر قرار می‌گیرد. در آیات قرآن نیز به این ویژگی انسان که به دنبال حداکثرسازی است اشاره شده است اما تفاوت آن با اقتصاد متعارف این است که چون در فرهنگ اسلامی، اعتقاد به معاد وجود دارد، نتیجه یک عمل از دو بخش تشکیل می‌شود: نتیجه فوری که در این زندگی و نتیجه آتی که در زندگی دیگر است (مزمل: ۲۰) بنابراین مطلوبیت (و سودی) که از چنین انتخابی به دست می‌آید، برآیند ارزش فعلی این دو اثر است (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۷).

مفسران قرآن با استناد به آیاتی نظیر ۲۷ از سوره بقره، ۱۴۸ از سوره نساء (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۸۵) و نیز آیات ۳ از سوره مائده و ۹ از سوره حجرات اشاره می‌کنند که برای جلوگیری از ضرر بیشتر باید ضرر کمتر را پذیرا شد. این اصل در فقه و قواعد فقهی با عناوین مختلفی همچون «دفع افسد به فاسد» «اصلاح المال بافساد بعضه لسلامة باقیه»، «اخف الضررین» و «اهون الشرین» شناخته می‌شود. امام علی (ع) نیز در حدیثی همین اصل حداقل‌سازی ضرر (حداکثرسازی سود) را معیار عقلانیت معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص. ۶).

۳-۵. سنت‌های ناظر به تولید

۳-۵-۱. ایجاد ارزش افزوده و پرهیز از خام‌فروشی عامل پیشرفت اقتصادی

ارزش افزوده به ارزشی که در فرایند تولید به ارزش کالاهای واسطه‌ای افزوده می‌شود، گفته می‌شود. این مفهوم به فرایند تولید مربوط است و نه به کالای خاص. اهمیت ارزش افزوده به حدی است که از آن به عنوان یکی از روش‌های محاسبه تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی کشور استفاده می‌شود. احادیث زیر گویای اهمیت ایجاد ارزش افزوده در فعالیت اقتصادی و پرهیز از خام‌فروشی را نشان می‌دهد:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خرید گندم [از بیرون منزل] فقر را از بین می‌برد و خرید آرد [از بیرون منزل] فقر می‌آورد و خرید نان [آماده از بیرون منزل] نابودکننده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۳۸). ایشان در روایت دیگری می‌فرماید: «هر کسی معیشتش تنگ شد و یا به دنبال روزی است باید [چیزهای] کوچک را بخرد و [چیزهای] بزرگ را بفروشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۴۵۷). مرحوم کلینی در توضیح این حدیث آورده است مثلاً چارپایان کوچک را بخرد و سپس آنها را پرورش دهد تا بزرگ شوند و سپس بفروشد (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۳۰۵)، که در واقع همان ایجاد ارزش افزوده است.

در توضیح روایات بالا می‌توان یک ملاک کلی را در سطح کلان این‌گونه استخراج نمود: «ایجاد ارزش افزوده در کالاها و فروش آنها به کشورهای دیگر سبب پیشرفت اقتصادی هر کشوری می‌شود». مصداق این امر در اقتصاد ایران، پرهیز از خام‌فروشی نفت و صادرات فرآورده‌های نفتی است.

۳-۵-۲. روابط تولیدی مشارکتی و تعاونی عاملی برای تولید بیشتر

در عرصه فعالیت‌های اقتصادی می‌توان انواع روابط تولیدی را با توجه به «انگیزه فعالیت اقتصادی افراد و با نگاه به نیازهای مادی سایر فعالان اقتصادی» بیان نمود؛ بر این اساس در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان گفت اگر تولیدکننده با انگیزه به انحصار درآوردن تمام امکانات اقتصادی برای خودش و محروم نمودن سایرین فعالیت کند، در این صورت رابطه انحصاری شکل می‌گیرد؛ اما در مقابل اگر فعالیت اقتصادی با انگیزه رفع نیازهای مادی خود و سایر فعالان اقتصادی یا به انگیزه حداکثرسازی منافع مادی خود و سایرین،

صورت گیرد، چنین رفتار اقتصادی در چارچوب اصل رفتاری مشارکت یا تعاون شکل می‌گیرد.

امام علی(ع) نتیجه نهایی انحصارطلبی را کاهش نعمت دانسته (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص. ۳۴۵). در مقابل، در روایات نتیجه تعاون در کارها برکت در زندگی بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۱۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص. ۱۸۱) و به مشارکت با افراد خوش‌روزی توصیه شده است چراکه به ثروت و سود بیشتر وعده داده شده است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۳۰، ص. ۵۰۹). همچنین در روایات اجیرشدن برای دیگران مکروه دانسته شده و عاملی برای مانع روزی معرفی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۲۳۹ و ج ۱۹، ص. ۱۰۳). بنابراین بر اساس آموزه‌های اسلامی به جای روش اجاره و پاداش ثابت باید روش مشارکت در سود را تشویق کرد. در روش مشارکت در سود، نیروی کار و هریک از عوامل دیگر تولید سهم واقعی خود را بر معیار کار از محصول نهایی می‌برند.

بر اساس تحلیل خرد رفتار بنگاه اسلامی و تابع تقاضای نیروی کار نیز می‌توان این مطلب را اثبات کرد که در شرایط مساوی، تقاضای کل نیروی کار در اقتصاد اسلامی حداقل به دو دلیل بیشتر از تقاضای کل نیروی کار در اقتصاد متعارف است: الف) وجود بنگاه‌هایی که هدف آنها حداکثر کردن تولید است؛ ب) وجود بازار مشارکت نیروی کار در سود. بنابراین در اقتصاد اسلامی در وضعیت مساوی سطح اشتغال و تولید، بالاتر از اقتصاد متعارف است (میرمعزی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۳-۱۳۴).

۳-۳-۵. اصول ناظر به عوامل تولید

به‌طور کلی به هر چیزی که در فرآیند تولید به کار برده می‌شود تا محصولی تولید شود، نهاده یا عامل تولید می‌گویند. در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل تولید شامل مواردی نظیر نیروی کار، زمین، سرمایه می‌شود که در ادامه بر اساس روایات به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

۳-۳-۵-۱. کار و تلاش عاملی برای افزایش تولید و کاهش فقر

نیروی کار از جمله عناصری است که در توابع تولید نقش اساسی ایفا می‌کند. در آیات و روایات هم در زمینه‌های متعددی نظیر اهمیت نفس کار، رعایت برخی از نکات در

انجام کار و ذکر برخی از مصادیق کار که در افزایش تولید و کاهش فقر تأثیرگذار هستند مواردی مطرح شده است که به اختصار در ادامه می‌آید.

الف) اهمیت کار به عنوان یکی از عوامل تولید

در آیه ۳۶ از سوره نجم نمی‌فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌فرماید تلاشی است که از او حاصل شده است، اشاره به اینکه مهم تلاش و کوشش است هر چند انسان احیانا به مقصد و مقصودش نرسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص. ۵۵۰)

ب) رعایت برخی از نکات در انجام کار برای افزایش تولید

۱. سحرخیزی: بر اساس روایات یکی از ویژگی‌هایی که رعایت آن در انجام کار سبب برکت می‌گردد، سحرخیزی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۷۸؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص. ۵۹).

۲. مهیاکردن مقدمات تولید: در روایات به آماده‌سازی مقدمات تولید نظیر سفرکردن برای کسب روزی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۷۷)، بازکردن در مغازه، جاروب زدن جلوی آن و آبپاشی نمودن آن و پهن کردن بساط (کاسبی) (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۳۰۴) توصیه شده و نتیجه آن نیز افزایش روزی بیان شده است.

۳. اتقان در کار (خرید و فروش کالای با کیفیت): بر اساس روایات انجام کار به صورت صحیح و در واقع تولید کالای با کیفیت سبب خیرخواهی دیگران برای تولیدکننده و برکت می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۵۱)؛ اما علاوه بر این اثر معنوی، اثر مادی آن نیز بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه تولید کالای با کیفیت سبب جذب مشتریان بیشتر شده و در نهایت با افزایش تولید، سودآوری بیشتری را نیز به همراه می‌آورد.

۴. مداومت بر کار حتی با درآمد اندک (جلوگیری از بیکاری): گاهی ممکن است انسان با انجام توصیه‌های قبلی یعنی سحرخیزی، آماده‌سازی مقدمات تولید و نیز اتقان در کار درآمدی کسب کند اما آن درآمد اندک باشد، توصیه روایات در این گونه مواقع این است که بر کار و پیشه خود هر چند با درآمد اندک مداومت کنید تا به پیشرفت

دست یابید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۵۹ و ۴۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص. ۵۳۳). بی‌گمان عمل به این دستور در ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد بیکار، افزایش تولید و درآمد و نیز جلوگیری از بیکار شدن نیروی کار، می‌تواند نقش مؤثری بازی کند.

ج) برخی از مصادیق کار با برکت و فقرزدا

در روایات از کشاورزی، دامپروری و تجارت به عنوان مصادیق کار با برکت و فقرزدا یاد شده است. بر اساس روایات متعددی کشاورزی مایه برکت (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۳۲) و به عنوان بهترین ثروت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص. ۳۱) قلمداد شده است. همچنین تأکید خاصی نسبت به دامپروری شده و مایه برکت دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص. ۵۱۱ و ج ۲۴، ص. ۴۲۹ و ۴۳۰؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۸۰ و ۲۸۲).

علاوه بر این، در روایات میان گستره دامپروری و میزان برطرف شدن فقر رابطه‌ای مثبت وجود دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص. ۵۰۹) و می‌توان به این صورت بیان کرد که هرچه دامپروری گسترده‌تر باشد فقرزدایی بیشتر است. شغل تجارت نیز در روایات متعددی عاملی برای برکت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۳) و به عنوان نُه دهم برکت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۱۰) یا نُه دهم روزی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۱۲) دانسته شده است. از جمله آثار دیگری که برای تجارت بیان شده است دفع فقر (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص. ۹) است و ترک آن سبب نابودی اموال معرفی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۱۶).

۲-۳-۳-۵. سرمایه عاملی برای تسریع در رشد و توسعه اقتصادی

سرمایه نقش مهمی در افزایش رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، زیرا این توانایی را دارد که در ترکیب بهینه با نیروی کار و فناوری، بخش تولید را به حرکت درآورده و با رونق تجارت زمینه‌های بهبود سطح زندگی و رشد اقتصادی را فراهم آورد.

در آیه ۵ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» مراد از اینکه اموال ایتام را به اولیای ایتام (که مخاطب این آیه می‌باشند) نسبت داده، این است که اولیا و سرپرستان جوامع بشری باید امور افراد سفیه را خود به دست بگیرند و با در جریان انداختن آن در کسب و تجارت و هر وسیله بهره‌وری دیگر، بیشترش کنند تا در

نتیجه اصل مال (سرمایه) از بین نرود و کار صاحب مال به تدریج به مسکنت نینجامد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۲۷۲)؛ بنابراین بر اساس این آیه سرمایه مایه پایداری و قوام جامعه است.

اگرچه وقتی در اقتصاد سخن از سرمایه به میان می‌آید منظور از آن هر عامل تولید به جز نیروی کار است - همان‌طور که مارکس، نئوکلاسیک‌ها و کینزی‌ها با تفکیک عامل انسانی از عوامل غیرانسانی در فرایند تولید، همه انواع سرمایه اعم از فیزیکی و پولی را به‌عنوان «سرمایه» قلمداد کرده‌اند - اما کلاسیک‌ها به صراحت از زمین به‌عنوان عامل تولید در عرض کار و سرمایه یاد می‌کردند.

بنابراین می‌توان زمین را هم یکی از عوامل تولید و یا اینکه یکی از مصادیق سرمایه دانست. در روایات فروش زمین زراعی (کشتزار) به منزله نابودی اموال معرفی شده است مگر اینکه هدف از فروش آن تبدیل به احسن کردن آن باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۷۰-۷۱). بنابراین می‌توان از روایات این گونه برداشت کرد که: «یکی از راه‌های رشد اموال حفظ سرمایه است».

۵-۳-۳. سرمایه‌گذاری

زمخشری درباره اینکه چرا در آیه ۵ سوره نساء درباره اموال یتیمان فرمود: «منها- از مال» و فرمود: «فیها- در مال» می‌نویسد: نکته‌اش این است که بفهماند ارتزاق سفیه باید در مال باشد، یعنی از درآمد مال باشد، نه از اصل آن. چراکه اگر از اصل مال باشد لازمه‌اش این است که اصل مال او راکد بماند و او شروع کند به خوردن آن، تا سرانجام تمام شود، اصل مال باید محفوظ بماند و یتیم از درآمد آن ارتزاق کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۲۷۲). این امر بر اهمیت سرمایه‌گذاری و ایجاد ارزش افزوده تأکید دارد. در ادامه به دو سنت در زمینه سرمایه‌گذاری که از روایات استخراج شده است، اشاره می‌شود.

الف) سرمایه‌گذاری عاملی برای سودآوری

روایتی که می‌توان از آن یک سنت در زمینه سرمایه‌گذاری استخراج نمود به شرح زیر است: شخصی به نام محمد بن عذافر از پدرش نقل می‌کند که امام صادق(ع) به پدر من هزار و هفتصد دینار مرحمت فرمود و گفت با این پول برای من تجارت کن. بعد

فرمودند: من تمایلی به سود تجارت ندارم هرچند سود را همه دوست دارند. اما دوست دارم که خدا ببیند آن مال را در معرض سود قرار داده‌ام. ایشان هم تجارت کرد و صد دینار سود برد. آنگاه امام را ملاقات کرد و به ایشان عرض کرد من برای شما صد دینار سود آوردم. امام (ع) خیلی خوشحال شد. فرمود که این [سود] را به سرمایه اضافه کن و باز هم با آن کار کن.

بر اساس روایت فوق، کسی که پولش را در کاری سرمایه‌گذاری کند آن را در معرض سود قرار داده است پس سرمایه‌گذاری می‌تواند عاملی برای دریافت سود باشد. همچنین بر اساس فرمایش امام در روایت، افزودن سرمایه برای سود بردن بیشتر را می‌توان نیز استنباط نمود.

ب) اصل توزیع ریسک‌ها در سرمایه‌گذاری (پرتفلیو) 'عاملی برای کاهش ریسک
یکی از مباحثی که امروزه در اقتصاد مالی مورد بحث قرار می‌گیرد موضوع «سبد سهام» یا «تئوری پرتفلیو (تئوری پرتفوی)» است. پرتفلیو در عبارت ساده، به ترکیبی از دارایی‌ها گفته می‌شود که توسط یک سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری تشکیل می‌شود.
در سال ۱۹۵۰ هری مارکوئیتز^۱ مدل اساسی پرتفلیو را ارائه کرد که مبنایی برای تئوری نوین پرتفلیو قرار گرفت. قبل از مارکوئیتز سرمایه‌گذاران با مفاهیم ریسک و بازده آشنا بودند ولی معمولاً نمی‌توانستند آن را اندازه‌گیری کنند. سرمایه‌گذاران از قبل می‌دانستند که ایجاد تنوع مناسب است و نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد بگذارند با این حال، مارکوئیتز، اولین کسی بود که مفهوم پرتفلیو و ایجاد تنوع را به صورت روش علمی بیان کرد. او به صورت کمی نشان داد که چرا و چگونه تنوع‌سازی پرتفلیو می‌تواند باعث کاهش ریسک پرتفلیو (مجموعه سرمایه‌گذاری) یک سرمایه‌گذار شود (کوپلند، شاستری و وستون، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۳-۲۵۴).

جالب است که قرن‌ها پیش به این اصل در روایت زیر نیز اشاره شده است: معمر بن خلاد می‌گوید: مردی، خیرخواه نزد امام صادق (ع) آمد و گفت: ای اباعبدالله! چگونه شد که اموال خود را در بخش‌های گوناگون سرمایه‌گذاری کردی، درحالی که اگر تمام آن یک جا می‌بود، هزینه‌اش کمتر و سودش بیشتر بود. امام فرمود: «آن را جداگانه قرار دادم

تا اگر به این بخش از مال آسیبی رسید، بخش دیگر سالم بماند [با وجود این، سود] همه آن در یک جا جمع می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۶۹). بنابراین بر اساس روایت فوق، تقسیم دارایی‌ها در سبدهای مختلف باعث کاهش ریسک می‌شود.

۴-۵. سنت‌های ناظر به توزیع

نحوه توزیع درآمد و ثروت در بین افراد یکی از مباحث محوری در مکاتب و نظام‌های اقتصادی می‌باشد. بر اساس منابع اسلامی، سیاست‌های توزیعی در سه حوزه توزیع اولیه، توزیع بعد از تولید و توزیع مجدد سامان داده شده است که در ادامه بیشتر درباره آن توضیح داده می‌شود.

۵-۴-۱. توزیع قبل از تولید

در توزیع قبل از تولید، چگونگی توزیع ثروت‌های طبیعی که در تولید آنها هیچ‌گونه کار و تلاشی از ناحیه بشر انجام نگرفته مانند زمین، معادن، آب‌های جاری و زیرزمینی و ... مورد توجه است (فراهانی فرد، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹-۱۱۰).

۵-۴-۱-۱. توزیع قبل از تولید (توزیع ثروت‌های طبیعی) مانع از تداول ثروت و عامل توسعه پایدار

از منظر قرآن منابع طبیعت برای عموم مردم خلق شده است که می‌تواند در چارچوب مکانیسم‌های فقهی تعریف‌شده‌ای در عرصه مالکیت فردی، دولتی و عمومی قرار گیرد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۱۷-۵۰۰).

در نظام حقوقی اسلام با توجه به نگاه خاص دولت و ترسیم دولت قدرتمند بر اساس حکومت ولایی (تحت سرپرستی پیامبر و امام) مالکیت اولیه بسیاری از منابع طبیعی به دولت (یا تحت نظارت او) واگذار شده است تا افراد نتوانند با تکاثر این ثروت‌ها عامه مردم را از آنها محروم کنند؛ به همین جهت قرآن، پس از بیان حکم غنایم فراوان جنگ بنی نضیر و قراردادن مالکیت زمین‌ها برای پیامبر اکرم (ص) به حکمت توزیع عادلانه آن اشاره کرده است (حشر: ۷).

همچنین بخشی از این منابع نیز در مالکیت کسی قرار داده نشده و همه می‌توانند از آنها بهره‌برند که از آن تحت عنوان مباحات عامه یا مشترکات نام می‌برند. با این همه

نهادها و راهکارهای مختلفی در این نظام برای استفاده بخش خصوصی از منابع قرار داده شده است. بسیاری از فقها معتقدند بخش خصوصی می‌تواند از طریق نهاد احیا و نیز حیات این منابع را در مالکیت خود قرار دهد (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۸-۲۰۹).

۵-۴-۲. توزیع پس از تولید

اگرچه منظور از توزیع بعد از تولید، تقسیم حاصل تولید یا ارزش پولی آن میان تمام عوامل دخیل در آن است، ولی مراد از رعایت عدالت در توزیع پس از تولید در اینجا علاوه بر سهم‌بری عادلانه عوامل تولید، رعایت عدالت برای مصرف‌کننده در هنگام توزیع کالای تولید شده است که در ادامه اصل «رعایت عدالت مایه افزایش برکت و کاهش فقر» در معنای اول و اصول مربوط به «ایفای کیل، منع واسطه‌گری و احتکار» به عنوان اصول مرتبط با معنای دوم توضیح داده می‌شود.

۵-۴-۱. رعایت عدالت مایه افزایش برکت و کاهش فقر

در ادبیات اسلامی در مورد «عدالت» غالباً دو تعریف مصطلح وجود دارد: الف) رساندن هر حقی به صاحب حق (اعطاء كل ذي حق حقه) و ب) نهادن هر چیزی در جایگاه مناسب (العدل يضع الأمور مواضعها). البته می‌توان گفت تعریف اول عدالت داخل در تعریف دوم است. «حاصل آنکه برای عدل می‌توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت؛ یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام کار حکیمانه و قرار دادن هر چیزی در جایگاه شایسته‌اش که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۳).

با توجه به این تعاریف فوق از عدالت، اگر هر یک از عوامل تولید به صورت عادلانه از حقوق خود بهره‌مند شوند، عدالت اقتصادی محقق شده است. بر اساس روایات اگر در جامعه‌ای چنین وضعیت عادلانه‌ای وجود داشته باشد که هر کسی بتواند به حق خود برسد آثار اقتصادی زیادی از جمله افزایش برکت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص. ۱۵۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۹۷؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص. ۳۲۰)، بی‌نیازی مردم (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۳۱) و رشد و ثروت (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۲۴۹) را به همراه خواهد داشت.

۵-۲-۲. عدالت در مبادلات اقتصادی سبب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش قیمت‌ها بر اساس تعریف عدالت، ایفای به کیل و میزان در معاملات، یکی از مصادیق اجرای عدالت در توزیع پس از تولید است. اصطلاح ایفای کیل در آیات مختلفی از قرآن مطرح شده است ولی می‌توان آن را به رعایت عدالت در مبادلات اقتصادی تعمیم داد و مواردی غیر از ترازو داری و مسائلی غیر از دادوستد را هم شامل آن دانست (وزیری فرد، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۴).

در آیه ۸۴ سوره هود پس از نهي از کم‌فروشی بلافاصله به نتیجه آن یعنی باز شدن درهای خیرات و پرهیز از عذاب قیامت اشاره شده است که معنی آن پیشرفت امر تجارت، پائین آمدن سطح قیمت‌ها و آرامش جامعه است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص. ۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص. ۲۰۱). در تفسیر «درالمنثور» درباره آیه «من شما را در خیر می‌بینم» آمده است: مراد پایین بودن قیمت‌هاست و درباره «و بر شما از عذاب روز فراگیر می‌ترسم» مراد بالا بودن قیمت‌هاست (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص. ۳۴۶). آیات ۳۵ سوره اسراء، ۸۵ سوره هود نیز بر همین معنا دلالت دارند.

در روایات متعددی نسبت به پیامدهای اقتصادی عدم رعایت عدالت در خرید و فروش هشدار داده شده است. مثلاً علت هلاکت امت‌های گذشته، قحطی، کم شدن محصول و زیاد شدن هزینه‌ها از عواقب کم‌فروشی بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۳۹۴ و ج ۱۶، ص. ۲۷۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۳۷۴).

از منظر علامه طباطبایی رعایت عدالت در مبادلات سبب شکل‌گیری امنیت در مال می‌شود و در سایه این امنیت و اطمینان ناشی از آن افراد جامعه می‌توانند بر تدبیر خود تکیه کرده و بر تلاش و فعالیت خود متمرکز شده و معیشت خود و جامعه را به سامان برسانند. از این طریق کالاها و خدمات تولیدی بیشتر و بهتری عرضه می‌شود و طبق قانون عرضه و تقاضا، با افزایش عرضه، سطح قیمت‌ها پایین‌تر خواهد آمد. همچنین به خاطر اعتمادی که میان افراد نسبت به همدیگر شکل می‌گیرد، مبادلات افزایش یافته و در نتیجه هزینه‌های بالاسری تولید کاهش می‌یابد و از این طریق به پایین آمدن قیمت‌ها و ارزانی کالاها و خدمات می‌انجامد (سلیمانی و عربلو، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۸)، علاوه بر این افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جامعه نیز سبب افزایش رشد اقتصادی

می‌گردد که در مطالعات اقتصاد متعارف نیز به آن اشاره شده است (رک به: دین، ۲۰۰۳؛ کریستوفور، ۲۰۰۶).

۵-۴-۳. دلالتی، عاملی برای توزیع ناعادلانه درآمد

دلالتی در لغت یک نوع «راهنمایی» و در این معنی عمل بسیار پسندیده‌ای است و واسطه میان خریدار و فروشنده است (جبران مسعود، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۲۲۷) و بر اساس ماده ۳۳۵ قانون تجارت «دلالت کسی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد طرف معامله پیدا کند، طرف پیدا می‌کند». البته در سالیان اخیر واژه دلالتی با مفهوم عام آن و یا با آنچه که در سالیان گذشته به ذهن متبادر می‌شد، فاصله بسیاری پیدا کرده و در واقع دلالت به کسی اطلاق می‌شود که بدون متحمل شدن زحمتی، بخشی از سود فعالان عرصه تولید و یا فعالان اقتصادی را به جیب می‌زند. به همین دلیل است که در صدر اسلام نیز توصیه‌هایی از سوی پیامبر اکرم (ص) در این باره مطرح شده است و در کتب فقهی با عناوینی همچون «نهی از تلقی رکنان» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۱۶۹) و «منع از وکیل شدن شهری برای روستایی (بیع الحاضر لباد)» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۱۶۸) آمده است. بر اساس این روایت علت نهی از وکیل شدن شهری برای روستایی، این است که این واسطه‌گری مانع از توزیع طبیعی و عادلانه درآمد بین افراد جامعه می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۴۵).

۵-۴-۴. احتکار عاملی برای ورشکستگی محترک و سبب کاهش رفاه مصرف‌کننده

با توجه به مطالبی که درباره دلالتی بیان شد می‌توان گفت شاید نخستین دلیل نهی از واسطه‌گری، این باشد که دلالتی زمینه‌ساز احتکار کالا می‌شود. به نظر می‌رسد که محترک می‌خواهد تا با احتکارش به دارایی برسد و از راه آسان به ثروت دست یابد؛ در حالی که بر اساس روایات احتکار نه تنها بر ثروت او نمی‌افزاید (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۴ و ۲۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص. ۱۹) بلکه سبب ورشکستگی می‌گردد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص. ۲۷۵). در واقع داستان احتکار همانند داستان رباست که به نظر موجب افزایش ثروت می‌شود ولی در عمل این گونه نیست؛ در حالی که انفاق و زکات که به ظاهر موجب کاهش ثروت است عامل افزایش ثروت است. همچنین بر اساس

فرمایش امام علی(ع) در نهج البلاغه، احتکار برای توده مردم زیان‌بار است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ن. ۵۳)؛ چون با افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت مصرف‌کننده رفاه او را کاهش می‌دهد.

۵-۲-۴-۵. معاملات باطل اقتصادی سبب رکود (بحران) اقتصادی

گستره معاملات باطل بر اساس فقه اسلامی گسترده است ولی برای برخی از آنها در آیات و روایات پیامدهای اقتصادی بیان شده است. مثلاً پیامد اقتصادی اکل مال به باطل بر اساس آیه ۲۹ سوره نساء فساد و هلاکت جامعه معرفی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۵۰۱). از جمله موارد اکل مال به باطل، غش در معاملات، غصب و رباست که در زیر به روایات آن اشاره می‌شود.

بر اساس روایات بی‌برکتی در مال و روزی به عنوان نتیجه فریب دادن برادر مسلمان در معاملات معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص. ۳۶۵) و نتیجه ترک غش در معامله، تداوم در اموال بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۲۸۱). حضرت علی(ع) در حکمت ۲۴۰ نهج البلاغه درباره غصب می‌فرماید: سنگ غصبی در خانه باعث ویرانی آن است. علامه طباطبایی با توجه به آیه ۲۷۶ بقره می‌فرماید: رشد کردن صدقات مختص به آخرت نیست؛ در نتیجه از مقابله نامبرده می‌فهمیم که نابودی ربا نیز هم در دنیا هست و هم در آخرت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۳۲). بر اساس روایات نیز، مبتلا شدن به قحطی (مسند ابن حنبل، ج ۶، ص. ۲۴۵) و نقصان و کاستی در اموال (سنن ابن ماجه، ۱۳۹۸ق، ج ۶، ص. ۷۶۵؛ مسند ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۵۰) نیز از پیامدهای رواج ربا در جامعه بیان شده است.

نتیجه این امور دستیابی به مال حرام است که بر اساس نص روایات مال حرام رشد نمی‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۸۲). همچنین محرومیت یافتن از نعمت‌های زیاد دیگر (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷۱، ص. ۵۰۱)، فقیر شدن (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص. ۶۳)، نابودی روزی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۷۲) و بی‌برکتی (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۰۳) از جمله آثار مال حرام بیان شده است.

یکی از نتایج مشترکی که تقریباً برای همه موارد بالا وجود داشت نابودی اموال و ایجاد رکود اقتصادی در جامعه بود. بررسی بحران‌هایی همچون بحران ۱۹۲۹ آمریکا و

بحران ۲۰۰۸ این آمریکا نیز گویای آن است که نظام سرمایه‌داری ذاتا بحران‌زاست. افرادی همچون کینز در تحلیل خود ریشه اصلی این مساله را ماهیت این نظام می‌دانند که مبتنی بر وجود بازار پول و پذیرش بهره در آن بازار است (کینز، ۱۳۸۷، ص. ۲۹۳). اما راه حلی که امثال کینز از طریق تجویز دخالت دولت ارائه می‌دهند معمولا کوتاه‌مدت است و نتوانسته است مشکل بحران‌های اقتصادی را به طور عمقی حل کند (داوودی و عیسوی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۷). اسلام از اساس با تحریم ربا، ریشه این گونه بحران‌های اقتصادی را خشکانده است، لذا به نظر می‌آید که نظام مالی و اقتصادی اسلام از این بعد نسبت به نظام سرمایه‌داری از کارایی بیشتری برخوردار است و برآن برتری دارد. انجام معاملات باطل اقتصادی، سبب نوعی جابه‌جایی نامشروع اموال می‌شود که امنیت اقتصادی و در واقع فرصت سرمایه‌گذاری، اعتماد و اطمینان اجتماعی را از میان می‌برد. این در حالی است که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای اعتماد و امنیت در سرمایه‌گذاری است. بنابراین می‌توان از مجموع این مباحث به این سنت اقتصادی اشاره نمود که: «انجام معاملات باطل، امنیت اقتصادی را خدشه‌دار کرده و در نتیجه تباهی و رکود اقتصادی را به همراه دارد».

۵-۴-۳. توزیع مجدد

مطالعه آیات و روایات اسلامی درباره منابع توزیع مجدد نشان می‌دهد توزیع مجدد، علاوه بر تأثیراتی که در زمینه ایجاد توازن اقتصادی در جامعه دارد، برای خود انفاق‌کنندگان نیز اثرات مثبتی برجای می‌گذارد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۵-۴-۱. انفاقات

در یک تقسیم‌بندی می‌توان انفاق را در دو دسته کلی انفاقات واجب و مستحب طبقه‌بندی نمود. انفاقات واجب نظیر زکات، خمس و... است و انفاقات مستحب شامل صدقه، قرض‌الحسنه، ... می‌شود.

الف) انفاقات مستحب (صدقه، قرض‌الحسنه)

نصوص دینی، بر خلاف تصور ظاهری انفاق کردن را نه تنها موجب کاهش اموال نمی‌دانند، بلکه آن را موجب حفظ و رشد اموال در دنیا و سبب اجر معنوی و پاداش

اخروی برای انفاق کننده قلمداد می کنند. آیات متعددی در قرآن مؤید این مطلب است. برخی آیات که درباره انفاق آمده، به انفاق کنندگان وعده داده که آنچه انفاق کرده‌اید در دنیا با افزایش نعمت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص. ۲۸۰) به شما بازگردانده می شود از جمله آیه ۳۹ سوره سبأ «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ». آیات دیگری که به همین مضمون اشاره می کند آیه ۲۷۲ سوره بقره و ۶۰ سوره انفال است. در آیات دیگری که درباره آثار انفاق و صدقات آمده پا را فراتر گذاشته و به این حقیقت اشاره می کند که انفاق کننده با انفاق مالش زیادتیر می شود: مانند ۲۶۱ بقره آیه که بر این امر دلالت دارد که وقتی انفاق در راه خدا باشد، نمو و زیاد شدن آن از لوازم تخلف ناپذیر آن خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۵۹۵-۵۹۶). آیه ۲۶۵ سوره بقره نیز بر همین معنا دلالت دارد.

صدقات: بر اساس آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره: ۲۷۶) از ویژگی صدقات آن است که مال را رشد می دهد، زیرا صدقات سبب تألیف قلوب می شود و امنیت را گسترش می دهد. قلوب را از ارتکاب غضب، اختلاس، افساد و سرقت باز می دارد و به اتحاد، همیاری و تعاون سوق می دهد و اغلب راه‌های فساد و تباهی مال را می بندد. این اسباب دست به دست هم می دهند و به رشد مال کمک می کند و آن را چند برابر می سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۶۴۳). در روایات متعددی نیز به این اثر رشد اموال (حر عاملی، ج ۹، ص. ۳۶۹ و ۳۹۳؛ ج ۱۵، ص. ۲۷۵) و یا «برکت» (حر عاملی، ج ۹، ص. ۳۶۷-۳۶۸) و و نیز حفظ شدن اموال (حر عاملی، ج ۹، ص. ۳۹۰؛ ج ۱۷، ص. ۳۸۴) اشاره شده است. علاوه بر اینها در برخی روایات رفع شدن فقر (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ح ۲۵۸، ص. ۵۱۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص. ۲۰۵)، افزایش عمر و دفع شدن هفتاد نوع مرگ بد از انسان از جمله آثار صدقه دادن بیان شده است (حر عاملی، ج ۹، ص. ۳۶۸).

قرض الحسنه: آیه ۲۴۵ سوره بقره نیز پاداش قرض الحسنه را چندین برابر معرفی کرده است. در این آیه وام دادن به خداوند به معنی انفاق فی سبیل الله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۲۲۵). هرچند بر اساس نظر اکثر مفسران امامیه و اهل سنت مقصود از قرض در این آیه انفاق‌های واجب و مستحب است و به قرض الحسنه مصطلح دلالتی ندارد (حبیبیان، ۱۳۸۳، ص. ۱۱) ولی قرض الحسنه می تواند یکی از مصادیق بارز آن باشد.

آیات دیگری که بر همین معنای افزایش اموال در اثر قرض‌الحسنه دلالت دارد عبارت‌اند از آیه ۸ و ۱۱ سوره حدید و آیه ۱۷ سوره تغابن. روایات نیز اثر قرض‌الحسنه را افزایش روزی و برکت دانسته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۴۵ و ۴۴۶).

ب) انفاقات واجب (زکات و خمس)

بر اساس آیات قرآن زکات که یک نوع انفاق واجب است موجب ازدیاد مال می‌شود (روم: ۳۹)». آیه ۱۰۳ توبه نیز نتیجه زکات را تطهیر و تزکیه می‌داند که کلمه «تطهیر» به معنای برطرف کردن چرک از چیزی است که بخواهند آماده رشد گردد و کلمه «تزکیه» به معنای رشد دادن همان چیز است مانند درخت که با هرس کردن شاخه‌های زائدش، نموش بهتر و میوه‌اش درشت‌تر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۵۱۲). درباره خمس نیز بر اساس روایات می‌توان این سنت را بیان نمود که پرداخت آن سبب افزایش روزی می‌گردد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۵۳۸).

در روایات متعددی نیز به پیامدهای اقتصادی پرداخت زکات اشاره شده است: مثلاً در برخی روایات از رشد در اموال (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۲۲؛ ج ۹، ص. ۱۰ و ۲۶؛ سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ح ۲۵۲، ص. ۵۱۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص. ۹۹) یا برکت در اموال (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص. ۲۰۲) به عنوان آثار پرداخت زکات یاد شده است و یا اینکه در برخی دیگر به حفظ اموال (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۱۱ و ۱۵؛ سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ح ۱۴۶، ص. ۴۹۵) و جبران نقصانی که در پرداخت زکات صورت می‌گیرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۳۱۸)، اشاره شده است. در مقابل، روایات متعددی به بیان عواقب اقتصادی ترک زکات از جمله بی برکتی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۲۶ و ج ۱۶، ص. ۲۷۳)، قطع بارندگی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۲۷۳)، افزایش نیازمندی‌های مردم (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۲۷۵)، تضييع اموال در دریا و خشکی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۱۲) و از بین رفتن چارپایان (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۳۱) پرداخته است.

۵-۴-۳. انفاقات عاملی برای رشد اقتصادی

چنانچه در آیات و روایات گذشت، انفاقات نه تنها موجب کاهش اموال در این دنیا نمی‌شوند، بلکه موجب حفظ و رشد اموال انفاق‌کنندگان می‌گردند. درباره تحلیل اقتصادی رابطه انفاقات و رشد اقتصادی می‌توان گفت: مشارکت‌های اجتماعی - از جمله انفاق - سبب افزایش سطح اشتغال می‌شود؛ چراکه مشارکت‌های اجتماعی اگر به شکل فعالیت‌های عام‌المنفعه صورت پذیرد به‌طور مستقیم اشتغال‌زا خواهد بود؛ ولی اگر به شکل کمک به فقرا انجام شود موجب گسترده‌گی بازار و افزایش تقاضا می‌شود - چون کمک ثروتمندان به فقرا سبب افقی‌تر شدن منحنی تقاضای بازار شده، در نتیجه کشش قیمتی تقاضا افزایش پیدا کرده و کارایی بازار بیشتر تحقق پیدا می‌کند و شرایط بازار رقابتی‌تر می‌شود - و این امر افق سرمایه‌گذاری را روشن‌تر می‌کند و انگیزه لازم برای آن را فراهم می‌آورد (حسینی، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۹). از سوی دیگر با پرداخت انفاقات، افزایش مصرف گروه‌های کم‌درآمد جامعه که نیروی کار را در خود جای داده‌اند، سبب بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت و رفاه نیروی کار و در نتیجه افزایش بهره‌وری آنها شده و افزایش بهره‌وری نیز رشد تولید را به دنبال خواهد داشت (حسینی، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۴)؛ مطالعات تجربی نیز درستی این فرضیه را ثابت کرده‌اند: «وقتی مصرف افزایش می‌یابد، از طریق افزایش بهره‌وری قشر کم‌درآمد، تولید گسترش می‌یابد؛ از جمله این مطالعات، بررسی‌های «هیکس» در چند کشور در حال توسعه است» (پروین، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۲۰۹). یوسف (Yusoff, 2009, pp. 5-7 & 19-24) در مقاله «تحلیل اقتصادی مخارج زکات و درآمد واقعی» نیز معتقد است افزایش مصرف فقرا در جامعه از طریق ضریب تکاثر، درآمد ملی را افزایش می‌دهد؛ وی با استفاده از الگوی کینزی به استخراج این رابطه پرداخته است.

۵-۵. سنت‌های ناظر به مصرف

۵-۵-۱. میانروی در مصرف (مصرف قوام) عاملی برای پیشگیری از فقر و توسعه نیافتگی در آیه ۲۹ سوره اسراء از افراط و تفریط در مخارج زندگی نهی شده و علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید در این صورت ممکن است دستت از همه جا بریده شود و دیگر نتوانی خود را در اجتماع ظاهر ساخته و با مردم معاشرت کنی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص. ۱۱۴).

آیه ۶۷ سوره فرقان نیز بر میانه‌روی در مصرف تأکید می‌کند و با نهی از اسراف و اقتار به مصرف قوامی به معنای حد وسط و معتدل تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص. ۳۳۳). در روایات متعددی نتیجه میانه‌روی در مصرف، افزایش اموال (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۵۵۲ و ۵۵۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۶)، پایداری نعمت‌ها (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۵۵۱) فقیر نشدن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۵۵۲ و ۵۵۳؛ سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ح ۱۴۰، ص. ۴۹۴؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۶) معرفی شده است و در مقابل نتیجه اسراف و تبذیر، فقر (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۶۴ و ج ۲۱، ص. ۵۵۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۵۰، ۵۶ و ۳۹۶؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص. ۸۴) و کم‌برکتی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۵۵۶) بیان شده است. در تحلیل اقتصادی مطالب فوق می‌توان گفت که از طریق درست مصرف کردن، علاوه بر پیشگیری از فقر، انباشت ثروت و سرمایه صورت می‌گیرد و زمینه برای توسعه اقتصادی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های بزرگ فراهم می‌شود.

۵-۲-۵. مدیریت مصرف عاملی برای رشد و برکت اقتصادی

برای تضمین پیشرفت مادی و معنوی هر کشوری علاوه بر سرمایه و امکانات اقتصادی، وجود افراد مدیر و مدبر نیز الزامی است. چون همانطور که در اصل کمیابی نسبی توضیح داده شده، آنچه برای مصرف در اختیار انسان‌ها قرار دارد محدود می‌باشد؛ لذا انتخاب بهترین و اقتصادی‌ترین روش بهره‌برداری از منابع و امکانات محدود برای پاسخگویی به نیازهای نامحدود، اهمیت و ضرورت ارتقای «مدیریت مصرف» را دوچندان می‌کند. آنچه در مدیریت مصرف مهم است برنامه‌ریزی و تدبیر امور است. بر اساس روایات تدبیر اقتصادی باعث افزایش مال و بی‌نیازی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۴۵ و ۷۹۴) می‌گردد و بی‌تدبیری یا سوءتدبیر فقر و ناداری (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص. ۳۱۷) و نابودی اموال (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۴۵) را به همراه دارد. البته این روایات می‌تواند هم ناظر به فرد و هم دولت باشد. بنابراین اگر دولت هم در بودجه کشور بی‌تدبیری کند سبب می‌شود بسیاری از اموال نابود شود و توسعه و پیشرفتی هم حاصل نشود.

یکی دیگر از موارد مدیریت مصرف، رعایت اندازه‌گیری در مصرف است که در روایات با اصطلاح «تقدیر المعیشه» از آن یاد شده است. تقدیر معیشت در واقع برنامه‌ریزی صحیح و واقع‌بینانه و ساماندهی مسائل اقتصادی در جهت استفاده از امکانات مالی برای تأمین نیازها و رسیدن به رفاه نسبی است که نبود تدابیر لازم در تخصیص درآمد و مصرف، اتلاف سرمایه‌های مادی و هدر رفتن نیروهای انسانی را باعث می‌شود. بر همین اساس در روایات نتیجه رعایت نکردن آن نابودی دارایی‌ها (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۳) و فقر (همان، ج ۱۵، ص ۳۴۷) بیان شده است. حتی در روایات به پیمانانه کردن غذا هم توصیه شده است و نتیجه آن برکت در طعام معرفی شده است (حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۴۰/ محدث نوری، ج ۱۳، ص ۲۸۰).

جمع بندی

در این مقاله آیات قرآن کریم و نیز روایات در کتب روایی منتخب مطالعه شد و گزاره‌هایی بر اساس دو قالب سنت‌های قطعی و مشروط اقتصادی استخراج شدند. تقریباً می‌توان گفت در اکثر سنت‌هایی که مطرح شده است نتیجه و محمول اقتصادی به صورت دو سنت کلان برکت و نعمت (یا مثلاً افزایش و کاهش روزی و یا فقر و بی‌نیازی) بیان شده بود. در جدول زیر شمای مختصری از همه گزاره‌هایی که در منابع دینی در ارتباط با موضوع مقاله آمده بود و سنت‌هایی که با استفاده از این گزاره‌ها استخراج شد، نشان داده شده است.

بخش‌های	اقتصادی	موضوع	محمول	اصل/سنت اقتصادی	
اقتصادی	منابع و امکانات اقتصادی	اصل کفایت منابع		وجود کمیابی نسبی در منابع و امکانات اقتصادی و عدم کمیابی مطلق	
	انسان اقتصادی	اصل مزیت‌های نسبی و تقسیم کار		وجود مزیت‌های نسبی میان بندگان عاملی برای تقسیم کار	
		اتراف (سرمستی نعمت) و فساد اقتصادی	طغیان و رقابت برای کسب دنیا، سلب نعمت و نابودی اقتصادی	اتراف (سرمستی نعمت) سبب فساد اقتصادی	
		اصل ترجیح زمانی		اصل ترجیح زمانی (برتری دادن زمان حال بر آینده)	
		حداقل‌سازی ضرر (حداکثرسازی سود)		اصل حداقل‌کردن ضرر (حداکثرسازی سود)	
اصول اقتصادی	تولید	ایجاد ارزش افزوده	افزایش مال، رفع فقر	ایجاد ارزش افزوده و پرهیز از خام‌فروشی عامل پیشرفت اقتصادی	
			تعاون	برکت	روابط تولیدی
	روابط تولیدی	انحصارطلبی	کاهش نعمت	مشارکتی و تعاونی	
		مشارکت با افراد خوش‌روزی	روزی و سود بیشتر	عاملی برای تولید بیشتر	
	عوامل تولید	اهمیت کار	کار و تلاش / بیکاری و تنبلی	کلید روزی، افزایش روزی/ فقر	کار و تلاش عاملی برای افزایش تولید و کاهش فقر
			رعایت برخی از نکات در انجام کار برای افزایش تولید	برکت	
			مداومت بر کار حتی با درآمد اندک	برکت	
		برخی از مصادیق کار با برکت و فقرزدا	دامداری	برکت، از بین رفتن فقر	
			کشاورزی	برکت	
		تجارت و بازرگانی	افزایش رزق/ اموال	برکت، افزایش رزق/ اموال	
تأمین روزی/ از بین رفتن مال			برکت، از بین رفتن فقر		
سرمایه‌گذاری	سرمایه فیزیکی / تبدیل سرمایه فیزیکی به پول	تأمین روزی/ از بین رفتن مال	سرمایه‌گذاری تسریع در رشد و توسعه اقتصادی		
	سرمایه‌گذاری (افزایش سرمایه)	سودآوری	سرمایه‌گذاری عاملی برای سودآوری		
	اصل توزیع ریسک‌ها (پرتفلیو) در سرمایه‌گذاری	کاهش ریسک	اصل توزیع ریسک‌ها در سرمایه‌گذاری عاملی برای کاهش ریسک		

توزیع قبل از تولید (توزیع ثروت‌های طبیعی) مانع از تداول ثروت و عامل توسعه پایدار	مانع تداول ثروت	توزیع قبل از تولید (توزیع ثروت‌های طبیعی نظیر فیء)													
رعایت عدالت در جامعه مایه افزایش برکت و کاهش فقر	پایداری نعمت، برکت، بی‌نیازی مردم	رعایت عدالت در توزیع		توزیع پس از تولید											
عدالت در مبادلات اقتصادی سبب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش قیمت‌ها	ارزانی، امنیت اقتصادی / گرانی، قحطی، زیادشدن هزینه‌ها	عدالت در مبادلات اقتصادی (ایفای کیل و میزان) / نقصان در کیل													
دلالتی عاملی برای توزیع ناعادلانه درآمد	توزیع ناعادلانه درآمد	دلالتی													
احتکار عاملی برای ورشکستگی محنتگر و سبب کاهش رفاه مصرف‌کننده	کاهش نعمت، ورشکستگی	احتکار													
معاملات باطل اقتصادی سبب رکود (بحران) اقتصادی	<table border="1" data-bbox="520 936 788 1234"> <tr> <td data-bbox="520 936 632 985">نابودی افراد جامعه</td> <td data-bbox="632 936 788 985">اکل مال به باطل</td> </tr> <tr> <td data-bbox="520 985 632 1034">بی‌برکتی، تنگی معیشت</td> <td data-bbox="632 985 788 1034">غش</td> </tr> <tr> <td data-bbox="520 1034 632 1084">نابودی اموال</td> <td data-bbox="632 1034 788 1084">غصب</td> </tr> <tr> <td data-bbox="520 1084 632 1133">نابودی اموال، فقر</td> <td data-bbox="632 1084 788 1133">ربا</td> </tr> <tr> <td data-bbox="520 1133 632 1234">رشد نکردن، بی‌برکتی، فقیرشدن، ازبین رفتن روزی</td> <td data-bbox="632 1133 788 1234">مال حرام</td> </tr> </table>	نابودی افراد جامعه	اکل مال به باطل			بی‌برکتی، تنگی معیشت	غش	نابودی اموال	غصب	نابودی اموال، فقر	ربا	رشد نکردن، بی‌برکتی، فقیرشدن، ازبین رفتن روزی	مال حرام	معاملات باطل اقتصادی	
نابودی افراد جامعه	اکل مال به باطل														
بی‌برکتی، تنگی معیشت	غش														
نابودی اموال	غصب														
نابودی اموال، فقر	ربا														
رشد نکردن، بی‌برکتی، فقیرشدن، ازبین رفتن روزی	مال حرام														
انفاق عاملی برای رشد اقتصادی	<table border="1" data-bbox="520 1234 788 1576"> <tr> <td data-bbox="520 1234 632 1335">رشد اموال، بازگشت اموال انفاق‌شده</td> <td data-bbox="632 1234 788 1335">انفاق</td> </tr> <tr> <td data-bbox="520 1335 632 1503">افزایش روزی، ادای دیون، برکت، از بین رفتن فقر، حفظ اموال، افزایش سود</td> <td data-bbox="632 1335 788 1503">صدقه</td> </tr> <tr> <td data-bbox="520 1503 632 1576">رشد اموال، افزایش فقر / روزی</td> <td data-bbox="632 1503 788 1576">فرض الحسنه / قرض ندادن</td> </tr> </table>	رشد اموال، بازگشت اموال انفاق‌شده	انفاق	افزایش روزی، ادای دیون، برکت، از بین رفتن فقر، حفظ اموال، افزایش سود	صدقه	رشد اموال، افزایش فقر / روزی	فرض الحسنه / قرض ندادن	انفاقات مستحب		اصول مربوط به توزیع مجدد					
رشد اموال، بازگشت اموال انفاق‌شده	انفاق														
افزایش روزی، ادای دیون، برکت، از بین رفتن فقر، حفظ اموال، افزایش سود	صدقه														
رشد اموال، افزایش فقر / روزی	فرض الحسنه / قرض ندادن														
	زیاد شدن مال، رشد اموال، برکت، حفظ اموال / بی‌برکتی، کاهش بارندگی، افزایش نیازمندی‌ها،	زکات / منع زکات	انفاقات واجب												

	ضایع شدن اموال				
	کلید روزی	خمس			
میان‌روی در مصرف (مصرف قوام) عاملی برای پیشگیری از فقر و توسعه نیافتگی	فقرنشدن، افزایش مال، پایداری نعمت/ فقیرشدن، کم‌برکتی		اعتدال در مصرف (میان‌روی)/ اسراف	مصرف	
مدیریت مصرف عاملی برای رشد و برکت اقتصادی	رشد اموال / فقر، نداشتن دارایی		مدیریت مصرف (تدبیر اقتصادی)/ بی‌تدبیری		

بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت: قرآن کریم و روایات علاوه بر آنکه مشحون از گزاره‌های دستوری و هنجاری در حوزه اقتصاد است موارد بسیاری از اصول و سنت‌های اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد که با تفسیر و تبیین نمونه‌هایی از آنها، پاسخ به سؤال اصلی پژوهش ارائه شد.

یادداشت‌ها

۱. مقاله پیش رو برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول با عنوان «اصول اقتصاد اثباتی در قرآن و سنت و تبیین مبانی آن» و با راهنمایی آقای دکتر امیر خدام علیزاده می‌باشد.

۲. ر.ک: قدیری اصلی، ۱۳۶۶، ص. ۲۳؛ ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۵۶۷.

3. Boland, A. Lawrence.

4. "Current Views on Economic Positivism".

۵. مطالعه آیات و روایات نشان می‌دهد بخش عظیمی از گزاره‌های دینی در عرصه اقتصاد، آن دسته از گزاره‌هایی است که موضوعشان، عوامل غیر اقتصادی (و یا حتی غیر مادی) است ولی نتیجه و محمول آنها امری اقتصادی و مادی است و می‌توان این موضوعات را در قالب اصول اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، رفتاری، عبادی بیان نمود؛ ولی چون بیان همه آنها در قالب این مقاله نمی‌گنجد لذا در این مقاله فقط به گزاره‌هایی پرداخته شد که هم موضوع و هم محمول آنها اقتصادی است.

6. Böhm Bawerk

7. Irving Fisher

8. Von Mises

۹. ر.ک به: عربی و دیگران، ۱۳۹۲.

10. Portfolio

11. Harry Markowitz
12. Din, 2003.
13. Christoforou, 2006.

کتابنامه

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. (۱۰ج). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. (۲ج). قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). عده الداعی و نجاح الساعی. تهران: دارالکتب الإسلامی. چاپ اول.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). مسند الامام احمد بن حنبل. بیروت: عالم الکتب.
- ابن ماجه. محمد بن یزید (۱۳۹۸ق). سنن ابن ماجه. تربت جام: مکتبه البشری.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الأئمه (ط - القدیمة). (۲ج). تبریز: بنی هاشمی. چاپ اول.
- بلاگ، مارک (۱۳۸۰). روش شناسی علم اقتصاد: اقتصاددانان چگونه تبیین می کنند. (غلامرضا آزاد ارمکی، مترجم). تهران: نشر نی. (انتشارات دانشگاه کمبریج: Cambridge University Press).
- پروین، سهیلا (۱۳۷۵). توزیع درآمد و تداوم رشد. مجموعه مقالات گردهمایی مسئله فقر و فقرزدایی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- تافلر، آلین و هیدی تافلر (۱۳۸۸). انقلاب در ثروت آفرینی. (عبدالرضا رضایی نژاد، مترجم). تهران: انتشارات فرا. (نشر اثر اصلی ۱۹۲۷م).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام). قم: دار الکتب الإسلامی. چاپ دوم.
- تقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵ق). الغارات أو الاستنفار و الغارات (ط - الحديثه). (۲ج). تهران: انجمن آثار ملی. چاپ اول.
- جبران مسعود (۱۳۸۱). الرائد: فرهنگ الفبایی عربی - فارسی. (رضا انزابی نژاد، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی. به نشر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ادب فنای مقربان. قم: اسراء.

حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۳). *قرض الحسنه، نگرشی تفسیری - روایی. فصلنامه اقتصاد اسلامی*. ۴ (۱۶). ۱۱-۳۴.

حسینی، سید رضا (۱۳۷۹). *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. (۳۰ج). قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام. چاپ اول.

حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی و آرام، احمد (۱۳۸۰ش). *الحیاء*. (احمد آرام مترجم). (۶ج). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ اول.

خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۲). *تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی*. قم: دفتر نشر معارف. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴). *کتاب‌البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ دوم.

دادگر، یدالله (۱۳۸۴). *درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد*. تهران: نشر نی.

داوودی، پرویز و عیسوی، محمود (۱۳۸۹). *بحران‌های اقتصادی و راه حل اقتصاد اسلامی*. مجله *اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی*. ۱ (۱). ۱۳۰-۱۰۷.

دلالی اصفهانی، رحیم و دیگران (۱۳۸۷). *بررسی نظری و تجربی نرخ ترجیح زمانی مطالعه موردی: اقتصاد ایران سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۵۱)*. مجله *دانش و توسعه*. ۱۳ (۲۵). ۱۶۷-۱۳۷. رجایی، سید محمدکاظم (۱۳۸۲). *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (للصیحی صالح)*. (۱ج). قم: هجرت. چاپ اول. روحانی، تورج (۱۳۹۴). *سنت‌های الهی در قرآن، منطق استخراج، حوزه‌های تأثیر و ویژگی‌ها*. *فصلنامه فرهنگ پژوهش*. ۷ (۲۳). ۱۲۸-۹۵.

زید، شارل؛ شارل ژیس (۱۳۷۰). *تاریخ عقائد اقتصادی*. (سنجایی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. چاپ دوم. (Ballantyne Press)

سلیمانی، محمد و مرتضی عربلو (۱۳۹۵). *بررسی آثار و ثمرات اقتصادی ایفاء کیل و میزان (با استفاده از نظرات علامه طباطبایی در تفسیر میزان)*. *مجله مطالعات اقتصاد اسلامی*. ۹ (۱۷). ۱۹۸-۱۷۷.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

شوقی، احمد دنیا (۱۳۸۹). برداشت های اقتصادی از قرآن کریم. (محمد صفری، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع). (بانک توسعه اسلامی با همکاری مؤسسه آموزش و تحقیقات اسلامی)

صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸ق). اقتصادنا. بی جا: المجمع العلمی للشهید الصدر. چاپ دوم.
صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۹). سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن. (حسین منوچهری، مترجم). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۹ - ۱۹۳۱).
صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۶ق). المدرسة القرآنیة یحتوی علی التفسیر الموضوعی للقرآن. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر. چاپ دوم.
طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان). (۱۰ج). تهران: دار الکتب الإسلامیه. چاپ چهارم.

عربی، سید هادی؛ رضائی، محمد جواد و موحدی بکنظر، مهدی (۱۳۹۲). نظریه «اخلاق هنجاری» و دلالت های آن در سیاست گذاری اقتصادی؛ درس هایی برای اقتصاد اسلامی. مجله معرفت اقتصادی. ۴(۲) (۸). ۲۹-۵۰.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). مجموعه مقالات قرآن و اقتصاد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.

فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳). فلسفه اخلاق. (هادی صادقی، مترجم). قم: کتاب طه.
فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۶). کارکرد اقتصادی دین اسلام (توزیع ثروت و درآمد). مجله قبسات. ۲۲(۸۶). ۱۰۳-۱۲۸.

قحف، منذر (۲۰۰۸م). النصوص الإقتصادية من القرآن والسنة. جده: جامعه الملك عبدالعزيز.
قدیری اصلی، باقر (۱۳۶۶). کلیات علم اقتصاد. تهران: مرکز نشر سپهر. چاپ پنجم.
قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ اول.
قعدان، زیدان عبدالفتاح (۱۹۹۷م). منهج الاقتصاد فی القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله. عمان: دار البشیر.

کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷). اقتصاد در قرآن کریم. قم: مجنون. چاپ دوم.

- کوپلند، توماس‌ای؛ کولدیپ شاستری و جان فردریک وستون (۱۳۸۷). *تئوری های مالی: مدیریت مالی پیشرفته*. (رضا تهرانی و عسگر نوربخش، مترجمان). تهران: نگاه دانش. (Addison-Wesley Publishing Company)
- کوشا، غلام حیدر (۱۳۸۹). پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن. *معرفت فرهنگی اجتماعی*. ۱ (۲). ۳۳-۵۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامية)*. (۸ج). تهران: دار الکتب الإسلامية. چاپ چهارم.
- کینز، جان مینارد (۱۳۸۷). *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*. (منوچهر فرهنگ، مترجم). تهران: نشر نی. (Palgrave Macmillan)
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۳ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. بیروت: موسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)*. (۱۱۱ج). بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ دوم.
- محمدی ری‌شهری، محمد و حسینی، سیدرضا (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و احادیث*. قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴). *آموزش عقاید (دوره سه جلدی در یک مجلد)*. قم: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ هفدهم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية. چاپ اول.
- موسوی اصفهانی، سید جمال‌الدین (۱۳۷۴). *ملاحظات پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۳). *نظریه رفتار تولیدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی*. فصلنامه *اقتصاد اسلامی*. ۴ (۱۳). ۱۰۳-۱۳۴.
- نکونام، محمدرضا (۱۳۸۶). *قرآن کریم و زمینه‌های اقتصادی: فهرست آیات و فرهنگ موضوعی اقتصاد در قرآن کریم*. قم: ظهور شفق.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. (۲۸ج). قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم‌السلام. چاپ اول.
- ورام بن ابی فراس و مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام*. (۲ج). قم: مکتبه فقیه. چاپ اول.

وزیری فرد، سید محمدجواد (۱۳۷۶)، مسائل اقتصادی در تفسیر المیزان. تهران: امیر کبیر.
یونس المصری، رفیق (۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م). الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم. دمشق سوریه:
دارالقلم.

References

- Boland, A. Lawrence (1997). *Current Views on Economic Positivism*. in David Greenaway. Michael Bleaney and Ian Stewart (eds) (1991) *Companion to Contemporary Economic Thought*. 88-104.
- Christoforou, A. (2006). *Social Capital, Economic Growth and Human Development: an Empirical Investigation Across European Countries*. In Annual Conference of the Human Development and Capability Association. University of Groningen. The Netherlands 29.
- Din, M. (2003). *Social Capital and Economic Development: A Case Study of the Northern Resource Management Project in Pakistan*. the Technical Assistance Program of the World Bank.
- Mohammed B. Yusoff (2009). *An Analysis of Zakat Expenditure and Real Output: Theory and Empirical Evidence*. The International Conference on Islamic Economics and Economies of the OIC Countries. 28-29 April.
- Schumpeter, J. A. (1934). *The theory of economic development: An inquiry in to profits. capital credit. Interest and the business cycle*. Cambridge: Harvard Business Press.
- Swedberg, R. (2007). *Rebuilding Schumpeter's Theory of Entrepreneurship. Paper presented at the Conference on Marshall. Schumpeter and Social Science*, Hitotsubashi University. Japan.
- Zarqa, Muhammad Anas (1424 A.H / 2003 A.D). *Islamization of Economics: The Concept and Methodology*. J.KAU: *Islamic Econ.* 16 (1). 3-42.